

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل‌المتین)

عنوان مراسلات

طهران خیابان لاله زار
ناب مدیر میرزا سید حسن کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۲ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك

قیمت يك نسخه
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

شنبه ۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۸ اردی بهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۸ مه ۱۹۰۷ میلادی

استبداد در لباس مشروطه

امروز چنانکه وضع عالم تغییر کرده حیل و تدبیر نیز شکل دیگر گرفته است لخت کردن و چاییدن صورت خود را تغییر داده است استبداد و ظلم لباس دیگری پوشیده و هیكلی دیگر ظاهر نموده است

مردمان پیش درس بلتیک نخوانده و در مدارس تئویر تحصیل نکرده بودند کار را صافی و ظلم را علاینه و آشکار میکردند اگر ثروت و مکنث طالب بودند راه رسیدن بمقصود منحصر بود که وجهی پیشکشی و تقدیم داده يك وزارت یا حکومت و ریاست گرفته فلک درست نموده چوبها در آب ریزند سه پایه سرپا کرده يك شلاق سیمی نیز بدو آویزند . آردال و ساول و میر غضب و جلاد از راست و چپ وادارند . محبس تنک و تاریکی ساخته کنند ورنجیر و طوق و خایلی مهیا و حاضر کنند — يك نفر آدم بیچاره که هیچ تقصیر ندارد فرایشان بیهانه آنکه چارو بقبله نشسته یا نشسته در دست و خیال گرفتن شراب دارد دستگیر نموده اول جیبش را خالی نموده کشان کشان با کتک و مشت و لگد بدیوانخانه برند آقای وزیر یا حکمران سیبلها بتابد و متغیرانه در صحن و دور حیاط قدم زند چون مقصر را دید فحش و دشنام بدهد جلاد بطلبد فرایش بخواهد چوب بزند داغ و شکنجه کنند زنجیر برگردن و کنده برپای نهد تا بیچاره خانه وزندگی را اگر گذارده اسباب خانه را هراج کرده صد تومان مثلا تدارک نموده بندگی کند ، انوقت مردم همه در غیاب بدبگویند و زیر و جا کم را ظالم و جابر و مستبد نام نهند زن و مرد شب و روز ناله و نفرین کنند نامش را با منت یاد کنند اسمش را

بزشتی برند تالی شعر و یزید ، برادر نمرود و شداد ، ردیم چنگیز و تیمور بخوانند ، بخدا و رسولش متوسل شوند بدربار پادشاه تظلم کنند در مساجد و امامزادها متحصن شوند دکان و بازار ببندند نا اوبرا خلع کرده دیگری را بجایش مقرر سازند و اورا ملعون ابدی و مطرود سرمدی گردانند و در تواریخ عالم غدار و خونخوارش گویند ، نابکار و ستمکارش معرفی کنند چه خبر است ، میخواستند مداخل کند و چهار شاهی پیدا نماید وجه پیشکشی را با تنزیلش وصول کند

واقعا این مرد احمق بود و از راهکار داخل نمیشد و غالبا هم بمقصود نمیرسید ایالتی یا مملکتی را خراب میکرد و خود را آباد نمی نمود . بیگدار باب میزد و بسابود که غرق میشد . چرا ؟ بواسطه آنکه لمذیت نداشت راه را بلد نبود یا ساده تر بگویم جاهل و نادان و بیعلم بود طوری کار میکرد که بچه هم میفهمید و خبـالـشرا هرابله ساده لوحی هم ادراک مینمود برده روی اعمال نمیکشید و کار را رندانه بزور بلتیک صورت نمیداد بضرب چماق بول میگرفت روز روشن مردم را در وسط چهار سو لخت میکرد پروائی نداشت اسمی روی کار نمیگذاشت و از شدت بیعلمی روزگار خود را اسپاه میساخت يك شب اگر میخواست عیش کند صدایش بعالم می بیچد و گذش همه دنیار امیگرفت رسوا و مفتضح میشد هرزه و الواط قلم میرفت جنسه باز و شرابی شمرده میگشت مردم دورش نمیرفتند زن و بچه سحاق فرستگها از او میگریختند وجودش باعث نزول بلاء و ووباء میدانستند

لکن امروز مردم زرنگ و عالم شده راه و رسم بلتیک آموخته اند در مدارس المان و فرانسه تحصیل کرده صاحب

دیپلوم و اجازه‌اند شیوه کار را یاد گرفته و تربیت را باند
بیراهه نمیروند که بگذار و باطلاق دچار شوند چوب
و چساق ندارند که خلاق رم کرده متفر شوند رندان
با پلتیک کار میکنند؟ مدعی تمدن و تربیت میشوند اظهار
انسانیت و معرفت مینمایند. خادم مجمع آدیت گشته.
علم دار عدل و داد و خراب کننده. هیکل ظلم و جور میشوند
از استبداد بیزارند. هواخواه مشروطیت و طالب قانون
و آزادیند. خدمت بخاق را منظور کرده. راحت بندگان
خسدارا طالبند. وطن پرست ملت خواه ترقی دوست
معارف پرستند. حوزه انسانیت را چا کردند. عالم
اسلامیت را فدائی و جان نثار.

این خوب عنوانی است دهن خلاق را می بندند باید
همین شیوه را پیش گرفت و در این خط قدم زد. واقف
آدمی که در خارجه تحصیل کرده و مدعی تمدن است
چه طور میتواند مردم را چوب بزند سر برد شکنجه کند
خصوصاً اینروزها که ملت هم بیدار شده و ظلم را احساس
کرده‌اند تا برود اسم جریسه برد خانه اش را خراب میکنند
و بعضی آنکه ملت شوند طالب استبداد است جان
و مالش در تملک میافند. پس چه کند؟ باید چشم بندی
کند. خاق را لباس مدینت تخت نماید هر کار را باسم
قانون اجراء کند و در بنه کلمه مشروطیت اساس استبداد را
محکم سازد تا کورش بر سوائی کشدهم دخل کرده هم نیک نام
بشود و هم سالها بر قرار و پایدار ماند. ضمناً نیز هزار
مرید احمق که هر یک برای شهری کافی است داشته باشد
که او را سلمان و ابوذر بدانند. بیزمارک و کلادستون
بخوانند. فدائی و جان نثار شوند. سنگش را بسینه
بزنند. هر جا شستند مناقب و مفاخرش را ورد زبان
سازند. هر کس یک کلمه برخلاف او حرف بزند سنگ
سارش کنند. بالواط و اشرار در ظاهر رفعت نکند و
انهارا جز در حالت نبیند تفاوت عامه از او مفرج و
متفر نشود. تکلیفش است که بانیک نامان و خوش ظاهران
شریک شود. مقاصد مکنونه خود را بتوسط آنها انجام
دهد و جلو خیالات بلوی عامه را نیز گرفته باشد. زیر
جلی کار کند و در نزد خاق برائت ذمه بجوید.

این نمره اشخاص را در اصلاح عامه چه میگویند؟
کرك در لباس میش، تربیاتی امیخته به پیش. دزدبشکل
امین. وهم در جامه یقین بدیهی است که ضرر این اشخاص
بیک ملت هزاران هزار درجه از مردمان سابق الذکر
بیشتر صدمه شان بر ملک و مملکت زیاده تر است چرا که گرك
را همه کس میشناسد و از وی دوری میکند آدم عاقل نزدیک
دزد نمی رود و با حرامی آشنائی نمیکند احدی تاکنون
سخنالت را تعریف نکرده و ظلم را تمجید ننموده هیچکس

نمیگوید استبداد خوب یا مستبد محبوب است. بالطبع
از پلک کناره جویند و مار را باسنگ سر بکوبند. لکن
ازین حیاه گران که ظاهری آراسته و زانی چرب دارند
زهر را در زیر شهد نهفته و استبداد را بسکل عدل
جلوه داده بر هریر نکنند و اجتناب ننمایند
بلکه از آنها پیروی و متابعت نمایند و انهارا هوا
خواه حیر و راه نامی سعادت دانسته برام نمائشان
بروند تا آن قطعه که ظالم چاه کند و رویش را
بخس و خشک پوشانیده. ناکه سرگون بچاه افتند
ویکسر راه علم دیگر گیرند

حالا چه کار باید کرد تکلیف ملت چیست؟
اگر ازین میشنویید باید تمام ملت دو چشم دیگر هم قرض
کرده و پنج حواس دیگر عاریه نموده با چهار چشم و
ده حواس مراقب و مکران اعمال و افعال این قبیل
اشخاص شوند و چون درست انهارا نمیشناسند ناچار باید
مواظب تمام ارباب حل و عقد کردند نظر سطحی و
قابل سرسری جایز نیست در هر کلمه که از آنها میشوند
و در هر جزئی عملی که از آنها صادر میشود غور و
دقت نموده تا بحق مطلب نرسند دست بر ندارند گول
کلمات شیرین و بیانات نمکین و عبارات رنگین را نخورند
بوعده و وعید مفرور نشوند نگاه تعریف و تمجید فلان
و همان ننمایند و مناسبات احتیاط تمام مردم را متقلب
فرض کنند و سکه همگی را محک نمایند

وقت خیلی تنگ است و موقع نهایت خطر ناک
غفلت و تسامح جایز نیست. باندک مسامحه کار خراب
است و بل اظرفی آن. تاکنون ملت ایران بایک هیئت
صادقه مصادف نشده و روی خوشی از کسی ندیده هر چه
دیده تقاب آنچه مشاهده کرده حیل و حیات دیگر با
کدام اطمینان میتوان آسوده شد و زیدو عمرورادرستکار
و کو کردار دانست و از مواظبت و تقیض دست برداشت
سلمنا همه امین و متدین ملت خواه آیا از مراقبت ضروری
مترتب میشود؟ یا از تقیض خسارتی وارد میآید

تبریک و تقریفاً

قریب یکماه است انجمنی در طهران از اهالی عراق عجم
تشکیل یافته است البته میدانید مراد از عراق عجم یکی از
ایالات بزرگ ایران است که درمکز واقع شده و دارای
شهرهای عمده است من جمله طهران که پای تخت ایران
است دیگر اصفهان و کاشان و قم و ساوه و سلطان آباد و
قزوین و همدان و کرمانشاهان و غیره

ایالت عراق عجم بزرگترین ایالات ایران و اهلس
بوفورذ کات و تندى هوش و حن مشرب و سلیقه از سایر

اخبار داخه

خبرنگار مخصوص اداره از اصفهان مینویسد از زمانیکه حکومت بختیاری بشاه السلطنه واگذار شده اهالی و تجار خیلی مخوف شده اند چون یقین است که بواسطه تغییر حکومت راه ها بی نظم شده اموال مردم بغارت رفته و قتل نفوس خواهد شد سابق بر این حاج علیقلی خان سردار اسعد فرار خوبی گذاشته بود که ایلخانی از اولاد ایلخانی بود و ایل یکی از اولاد حاج امام قلیخان تا در هرکاری این دو طایفه متفقا حکومت میکردند و باین واسطه خود بختیاری منظم و اهالی اصفهان راحت بودند همه میدانند قوت و مکت اولاد مرحوم ایلخانی دو برابر اولاد مرحوم حاج امام قلیخان است و حالا که حکومت بایک طایفه شده یقین است نمیتوانند از پیش بترسند پس از حرکت معین همایون از اصفهان عموم ایل هم حورده و در اغلب دهستان سنگر بندی نموده و چند نفری هم کشته شده است اغتشاش بختیاری باعث بی نظمی اصفهان و عربستان و لرستان و بهبهان خواهد شد و بواسطه سد طرق برای تجار اطمینان نخواهد ماند بر نامه مقدسه فرض است که این مطلب را بعرض اولیای دولت و وکلای ملت برسانند و الا این رشته سر دراز دارد

حبل المتین

گفته مرد خدا افسانه نیست

گفته او گفت هر دیوانه نیست
آفرین بر عقل و هوش و ذکاوت رئیس التجار
وکیل محترم مجلس شورای ملی. مرحبا بر پیش بینی
و مال اندیشی این جوان خردمند که از پیش با دور بین
خرد این حادثه را ملتفت شد و صریحا در بیست روز
قبل در مجلس مقدس با بانگ بلند فریاد کرد که این
خاکستر آتش سوزان در زیر نهفته دارد باید در
خاموشی آن عقلاء است و وکلای ملت سعی جمیل
مبذول دارند و علاج واقعه قبل از وقوع نمایند وگرنه
چون کار بکنند و آب از سر بدر رود امر مشکلی
خواهد شد و هزار زحمت را جلب خواهد کرد
سرچشمه را با بیل بگیرند ورنه فردا با بیل گذشتن
توانید تقریبا مضمون این دو بیت شاعر عرب را بیگفت
اری خلل الرماد و میض نار

و اوشك ان یكون لها ضرام

فان لم یطفها عقلاء قوم

یکون و فودها جثت و هام

ایالات ممتازند و همواره بسمت تقدم و اهمیت فوق العاده و نسبت بسایر ایالات داشته اند حتی در دورهای قدیم و پیش از اسلام نیز شهر هایش مرکز سلطنت بوده از آنجمله است شهرری که طهران حالیه در قرب او ساخته شده و شهر اکباتان که در قرب همدان بوده است علماء متبحر و فضلاء جلیل از آن ایالت بروز و ظهور نموده که از آنها است امام فخر الدین رازی و غیث الدین جمشید کاشانی که در فنون ریاضی نظیرش در دوره اسلامی دیده شده است و صاحبان عباد ملقب بذوالکفایتین و غیره و غیره

یک فضیلت مخصوصی را نیز از قدیم الایام دارا بوده که اهلیت همواره دارای قوه دماغی و اصحاب قلم بوده اند چنانکه آنها را تاجیک میگفتند و اهل آذربایجان را ترک ترک را از باب سیف و تاجیک را اصحاب قلم میدانستند و حل و عقد امور کشوری را از آنها میخواستند پس در این دوره که مدار عالم به علم و تدبیر و قلم است خیلی جای اموس بود اهالی عراق که بدین سمت همیشه معروف و مشهور بوده اند این ایام بکلی عقب رفته و از سایرین خیلی پس افتاده بودند چنانکه اهالی شیراز و آذربایجان و غیر هم انجمن کرد و ولی اهل عراق اظهار حیاتی نمیکردند تا آنکه بحمد الله در شهر ربیع الاول عراقیان نیز غیرت و حمیت نموده انجمنی دائر ساختند عراقیان غیرت مند همت مرده کرده ماهیانه یکصد و هشتاد تومان تقریبا اعانه جهت مخارج لازمه انجمن داده اند و در این مدت اندک خیلی کار کرده اند و در مقام انصاف تشکرات خود را نسبت برادران غیور آذربایجانی اظهار و قدیمت آنان را در ایضاه مقرر و معترف گردیده در نظنامه خود ثبت و قید کرده اند

در این هفته نیز چشم ما بزیارت نمره اول جریده (عراق عجم) که از آثار خیریه این انجمن محترم است روشن شده چه روز نامه که باغی است مشحون بانواع گل وریحان و اقسام اشجار و اثمار . گلهای رنگینش مشام جان را معطر میسازد و روح را نشاط میبخشد مقالاتی چون لؤلؤ شاعوار و بیاناتی چون در خوشا . سخنانی یخته و کلماتی سنجیده . جاهل را عالم و عالم را کامل سازد . سرودش همه ملی . ترانه اش همه وطنی چنانکه خواننده و شنونده لذت برند و چون مشک از تکرارش بیشتر محفوظ شوند.

از خداوند توفیق و تایید انجمن محترم و جریده فریده را خواهانیم و هموطنان را بقرائت و مطالعه آن نامه گرامی سفارش میکنیم.

اما چه سود که گوش هوش نگشودند و سخنان صوابشرا بنظر تدبر و تأمل ننگریستند و ضدیت در سخن و اظهار حیات را مقدم بر صلحت ملک و ملت داشتند و کار راجحانی رسانیدند که علاجش دشوار گردیده خوب است بعد از این متنبه شده سخن سنجیده گویند و رای پسندیده دهند و ضدیت را وجه همت قرار ندهند خیالات شخصیه را بر مصالح نوعیه مقدم ندارند.

خدا میداند ما و کلاء محترم را امین و درستکار میدانیم لکن شکایتی که داریم از آنستکه چرا فکر نکرده و تأمل نموده نطق میفرمایند که عاقبتی و خیم جاو آنها در آید و کار بدینجا رسد که چندین ایالت بزرگ مملکت گرفتار نا امنی و اغتشاش شود دیگر خودتان مختارید

مکتوب شهری

خدمت مدیر محترم جریده مقدسه جبل المتین صانه الله عن جوادش الایام عرضه میدارد چون امروز بر هر فردی از افراد مسلمین و جاهدین فی سبیل الله واجب و لازم است که بقدر وسع و غیرت خود همش صرف اصلاح و ازدیاد شرف این ملت نجیب و وطن عزیز باشد و باید دانست که در این مورد که سختترین موارد زندگانی ما مردم است به سوای نفس و غرض شخصی سخن گفتن علاوه بر بی تدبیری موجب هزار گونه تنگ و عار است و حقیر یکی از اشخاصی هستم که بدون اغراق و خود نمائی عرض میکنم که در راه صلاح و سداد امور ملی و اجرای قوانین محمدی و شرف و آزادی سرمدی (سر و جان را نتوان گفت که مقداری هست) شاید خود جناب عالی و بعضی از آقایان و برادران حقیقت شناس مراتب معروضه را تصدیق فرمائید غرض از این مقدمات آن است که حقیر قبل از ورود بطهران گمان چنین بود که کایه اهالی طهران بر مفاسد امور عالم و بر علاج عموم جاهندند بعد از ورود بدبختانه از گوشه و کنار ایراداتی نسبت بمجلس مقدس و مشروطه طلبان با غیرت میکنند که نزد هیچ عاقلی نتوان اظهار داشت از انجمله فکل زدن است و حال آنکه (مرد خدا شناس که تقوی طلب کند بچه خواهی سفید جامه و خواهی سیاه باش) چون فکل علامت صلیب فرنگیان است و حضرت امیر المؤمنین فرموده (اتقوا من مواضع التهم) در کمال ادب خدمت برادران عزیز خود خواهشمندم که چندی فکل را بطوق اتحاد و اتفاق بلکه لباس را بجوشن غیرت و آب را بخون دل و عیش را بزحمت و مشقت تبدیل فرمایند تا آنکه دست مستبدین ظالم را از گریبان خود و هم وطنان عزیز

کوتاه و حقوق شرعیه و ملیه خود را اخذ و جلب فرمایند

(تلگرافات خارجه)

۲۶ ربیع الاول

توضیح آنکه چندی پیش یکی از شاهزادگان انگلیس موسوم بیرلس ارتور از جانب او وارد هفتم بدیدن امپراطور ژاپن رفت و اینروز ها پرنس فوشیمی ژاپنی از طرف میکادو بعنوان باز دید بلندن مبرود) بموجب آنچه مخبر استندارد از برلن تلگرافی کرده دولت ژاپن بجهت تصفیه مطالبیکه در مشرق اقصی و اقیانوس ساکن میان او و دولت اتازولی است در کار گفتگو میباشد

بموجب اخبار اخیر مسافری کشتی فرانسه موسوم به یوانو بجز ۱۳ نفر نجات یافتند

از کوه اتنا در شمال شرقی سیسل شعله و دود غلیظی بیرون میاید

روزنامه کولینج زیتونک که یکی از جراید معتبر آلمان است مینویسد دولت آلمان بحفظ پلٹیک فعلیه در چین و مستملکات شرقی فرانسه کمال میل را دارد و اگر فرانسه خواسته باشد در باب تجارت ژاپن اتقافی محکمتر قایم کند بهیچوجه شکایتی برای او نخواهد ماند روزنامه تیمس مینویسد ترتیباتی که میان روس و فرانسه با ژاپن پیش آمده مامهاتیکه این دو دولت باوی میکنند عهدنامه انگلیس و ژاپن را حفظ کرده چندین سال از تغییر و تبدل نگاه میدارد

کامیل بانرمن (صدر اعظم) وسایر وزرای انگلیس تا تاشارنک کرس لرد کرومر (وکیل سیاسی انگلیس در مصر که بلندن بر میگردد) رفتند و مشارالیه مستقیما بمعمرات بوشینقام که عمارت سلطنتی است رفت

چرچیل اظهار میدارد که دولت انگلیس بجهت استقراض ترانسوال تاینج میلون ضمانت میکند در لندن هیئتی مرکب از لرد رای ولرند سدال الفرد و لیال و جمس دیگر تشکیل داده اند که در باب ترتیب تحصیل السنه شرقی در لندن تحقیقات بعمل آورند

سان قشونی که بنا بود در الدرسوت بجهت احترام پرنس فوشیمی دیده سوه بجهت انقلاب هوا تاخیر افتاده انجمن سالیانه شرکت انگلیس و ماله که کارش ساختن و تجارت کاوئسواست منعقد شد فرانک مسیو تمام که در اولین جلسه آن ریاست داشت چین تقریر نمود که کمپانی عده زیادی کار کر دارد و این خود پیشرفت تجارت کاواتشورا در آینده اطمینان میدهد

حسن الحسین الکاشانی